###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسی رابطه راهبردهای شناختی و فراشناختی با میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان**

**فصل اول**

**موضوع پژوهش**

**1ـ مقدمه**

هدف از آموزش كمك به ارتقاء سطح يادگيري در دانش‌آموزان است. اما يادگيري موضوع مشخص واحدي نيست. بلكه تقريباً همه فعاليت‌هايي كه ما در طول زندگي انجام مي‌دهيم از تجارب يادگيري‌مان سرچشمه مي‌گيرد. ما موضوع‌هاي مختلف درسي و غيردرسي مانند رياضي، ادبيات، هنر، علوم ديني و طرز معاشرت را ياد مي‌گيريم. علاوه بر اين ما عواطف مختلف را نيز ياد مي‌گيريم. تهيه فهرست كاملي از آنچه كه انسان در طول زندگي ياد مي‌گيرد بسيار مفصل و شايد غيرممكن است. اما به طور كلي در مورد راهبردهاي مختلف يادگيري به دو نوع از راهبردها يعني راهبرد شناختي و راهبرد فراشناختي تأكيد شده است. در سال‌هاي اخير شاهد پيشرفت عظيم روانشناسي پرورشي به سوي كشف اين راهبردها يعني راههاي ياد گرفتن و مطالعه كردن بوده‌ايم (سيف 1379).

در سالهاي اخير در مورد تأثير راهبردهاي شناختي و فراشناختي تحقيقات گوناگوني صورت گرفته است و سعي بر آن بوده است در مورد اهميت و تأثير هركدام از راهبردها اطلاعات لازم به معلمان ارائه شود تا نحوه يادگيري به نحوه مطلوب‌تري امكان‌پذير گردد. نخستين بار هارلو[[1]](#footnote-1) (1949) مفهوم فراشناخت (دانستن درباره دانستن) را در يك رشته آزمايشي كه با ميمونها انجام داد مطرح ساخت. براون[[2]](#footnote-2) (1978) فراشناخت را به دو صورت زير معرفي كرده است:

1ـ آگاهي فرد از فعاليت‌ها يا فرايندهاي شناختي خود

2ـ روشهاي مورد استفاده فرد براي تنظيم فرايندهاي شناختي خودش.

به سخن ديگر، فراشناخت از يك سو شامل روشهاي كنترل و نظارت بر يادگيري است. بنابراين آموزش راهبردهاي فراشناختي در پيشرفت تحصيلي آموزش گيرندگان موثرتر از آموزش صرف راهبردهاي شناختي مي‌باشد (براون 1978).

**2ـ بيان مسأله**

سالهاست كه روانشناسان تربيتي درصدد پاسخ دادن به اين سؤالات هستند كه چرا بعضي دانش‌آموزان نسبت به بعضي ديگر از نظر پيشرفت تحصيلي موفق‌ترند؟ چه چيزي اين تفاوتها را رقم مي‌زند؟ براي پاسخ دادن به اين سؤالات بررسي عواملي كه تصور مي‌شود موقعيت تحصيلي را تبيين مي‌كنند ضرورت پيدا مي‌كنند.

به مرور زمان روشن شده كه كليد تبيين و پيش‌بيني موفقيت و كاميابي تنها استفاده از راهبردهاي شناختي نيست. بسياري از دانش‌آموزان با استفاده از راهبردي شناختي مشكلات زيادي در فراگيري مطالب درسي دارند، در حالي كه دانش‌آموزان ديگر با تاكيد زيادتر روي راهبردهاي فراشناختي موفقيت تحصيلي بالايي را كسب كرده‌اند، و چه بسا افرادي را بشناسيم كه با استفاده از راهبردهاي شناختي درصد متوسط موفقيت تحصيلي را كسب كرده‌اند ولي با درنظر گرفتن راهبردهاي فراشناختي به موفقيت‌هاي زيادي در زندگي‌شان دست يافته‌اند (سيف 1979).

طي چند دهه گذشته تلاش‌هاي قابل ملاحظه‌اي جهت تبيين و كشف عوامل موثر بر موفقيت تحصيلي صورت گرفته. محققين در تبيين اهميت راهبردهاي فراشناختي در پيشرفت تحصيلي به نتايج قابل ملاحظه‌اي دست يافته‌اند و نشان داده‌اند كه چنانچه راهبردهاي فراشناختي را براي پيش‌بيني پيشرفت تحصيلي به راهبردهاي شناختي اضافه كنيم، پيش‌بيني پيشرفت تحصيلي به طور معناداري با احتمال بيشتري امكان‌پذير مي‌شود تا اينكه تنها از راهبردهاي شناختي استفاده كنيم (بوتچر[[3]](#footnote-3)، 1999).

تمام مسائل فوق نشان مي‌دهد كه توسل به راهبردهاي شناختي براي تبيين پيشرفت تحصيلي كافي نيست، بنابراين اين مسائل نشان دهنده اين نكته است كه عامل مهم ديگري غير از راهبردهاي شناختي وجود دارد كه مي‌تواند در پيشرفت تحصيلي يا به طور كلي در موفقيت موثر باشد كه آن راهبردهاي فراشناختي است. اين ديدگاه اين سؤالات را مطرح مي‌كند كه چه عوامل دست‌اندركارند كه برخي افراد داراي راهبردهاي شناختي بالا در زندگي ضعيف عمل كنند و كساني كه راهبردهاي شناختي متوسطي دارند در كمال تعجب به خوبي عمل مي‌كنند.

تحقيقات نشان داده كه در غالب موارد تفاوت در توانايي نهفته است كه راهبرد فراشناختي ناميده مي‌شود كه شامل برنامه‌ريزي، كنترل، نظارت و نظم‌دهي مي‌باشد و اين مهارت‌ها را مي‌توان به كودكان آموخت تا در امر تحصيلي عملكرد بالاتري نشان دهند (دمبو[[4]](#footnote-4) 1994). تعدادي از محققين براين باورند كه علاقه به راهبردهاي فراشناختي تا حدي واكنش به اين باور است كه راهبرد شناختي تنها كليد پيشرفت تحصيلي است. آنچه در اين جا اهميت دارد اظهارات ضد و نقيض طرفداران و منتقدان راهبردهاي فراشناختي در زمينه توانايي اين مفهوم در پيش‌بيني پيشرفت تحصيلي است (ماير[[5]](#footnote-5) و سالووي[[6]](#footnote-6)، 1999). لذا پژوهش حاضر در راستاي همين تحقيقات به بررسي تاثير راهبردهاي شناختي و راهبردهاي فراشناختي و همچنين استفاده توأم از اين راهبردها در مقايسه با استفاده غير توام از آنها در موفقيت تحصيلي دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه شهر و روستاهاي گيلانغرب مي‌باشد.

**3ـ ضرورت و اهميت پژوهش**

نظريه‌هاي راهبردهاي فراشناختي مفهوم جديدي است. هنوز هيچ كس نمي‌تواند دقيقاً بگويد كه تفاوت‌هاي ميان دانش‌آموزان در طول تحصيل‌شان تا چه حد مربوط به راهبردهاي فراشناختي مي‌شود. اما داده‌هاي موجود نشان ميدهند كه راهبردهاي فراشناختي مي‌تواند به اندازه راهبردهاي شناختي و گاهي اوقات بيش از آن قدرت پيش‌بيني داشته باشد، و همچنين عده‌اي معتقدند راهبردهاي فراشناختي را مي‌توان به كودكان آموخت و سطح آن را ارتقاء داد (دمبو، 1994).

از آنجايي كه طيف وسيعي از جمعيت كشورمان را دانش‌آموزان تشكيل مي‌دهند و در اين راستا مشكلات آموزش و نحوه استفاده از راهبردهاي متنوع آموزش در امر تدريس وجود دارد، ضروري بنظر مي‌رسد كه تحقيقات در مورد تاثير بكارگيري روش‌ها و راهبردهاي مختلف در امر آموزش صورت گيرد تا كيفيت و آموزش ارتقاء يابد. و به همين جهت با توجه به تحقيقات انجام شده در خارج از كشور در مورد عامل فراشناخت به عنوان يك عامل مهم در پيشرفت تحصيلي دانش‌آموزان لازم است اين عامل به صورت عميق‌تر مورد بررسي قرار گيرد. از طرف ديگر با توجه به وجود روشهايي جهت آموزش راهبردهاي فراشناختي به معلمان و دانش‌آموزان لازم است اين راهبردها مورد تاكيد تحقيقات در زمينه آموزش و پرورش قرار گيرد. به عنوان مثال فلاول[[7]](#footnote-7) (1995) علاقه پژوهشگران به فراشناخت را ناشي از اعتقاد به كاربردهاي مهم آن در تعليم و تربيت ذكر كرده است. وي سپس به نقل از بيكر[[8]](#footnote-8) (1991) خاطرنشان مي‌سازد كه شواهد پژوهشي حاكي از وجود حداقل 9 مورد نارسايي فراشناختي در دانش‌آموزان ضعيف‌تر در مقايسه با دانش‌آموزان قوي‌تر است. همچنين لفرانكو[[9]](#footnote-9) (1997) مي‌گويد مهم‌ترين سهم فعلي روانشناس شناختي در روانشناسي تربيتي تاكيد مجددي است كه بر يادگيري چگونه ياد گرفتن (فراشناخت) مي‌شود. او استدلال مي‌كند كه بهترين يادگيرندگان كساني هستند كه علاوه بر دانش در زمينه‌هاي خاص از دانش فراشناخت نيز برخوردار باشند. دانش فراشناختي يعني اينكه فرد بداند چگونه كاري را انجام مي‌دهد، چگونه مسائل را حل مي‌كند، چگونه ياد بگيرد و حفظ كند، چگونه بفهمد و شايد مهمتر از همه چگونه اين فعاليت‌ها را زير نظر داشته باشد، ارزيابي كند و هدايت نمايد. بنابراين با توجه به نكات ذكر شده در فوق به نظر مي‌رسد هم از لحاظ نظري و هم از لحاظ كاربردي اين موضوع در امر آموزش موثر واقع شود.

**4ـ اهداف پژوهش**

هدف كلي پژوهش: در اين پژوهش سعي بر آن است كه دريابيم در استفاده از راهبردهاي فراشناختي و راهبردهاي شناختي كداميك براي پيشرفت تحصيلي دانش‌آموزان شهرستان گيلانغرب بهتر است و اينكه كداميك معيار بهتري براي پيشرفت تحصيلي است.

اهدف جزئي پژوهش:

1ـ مقايسه دانش‌آموزان شهري با دانش‌آموزان روستايي در استفاده از نوع راهبردها

2ـ مقايسه دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر در استفاده از نوع راهبردها

**5ـ سؤال و فرضيات پژوهش**

**1ـ5 فرضيات پژوهش**

**1ـ1ـ5ـ** دانش‌آموزاني كه از راهبردهاي شناختي و فراشناختي بصورت توأم استفاده مي‌كنند در مقايسه با ساير دانش‌آموزان موفقيت تحصيلي بيشتري دارند.

**2ـ1ـ5ـ** بين راهبردهاي فراشناختي و راهبردهاي شناختي رابطه مثبت معني‌دار وجود دارد.

**3ـ1ـ5ـ** بين راهبردهاي فراشناختي و موفقيت تحصيلي رابطه مثبت معني‌دار وجود دارد.

**4ـ1ـ5ـ** بين راهبردهاي شناختي و موفقيت تحصيلي رابطه مثبت معني‌دار وجود درد.

**6ـ1ـ5ـ** بين دانش‌آموزان دختر و دانش‌آموزان پسر در استفاده از نوع راهبردهاي شناختي و راهبردهاي فراشناختي تفاوت معني‌داري وجود دارد.

**2ـ5ـ سؤال پژوهش**

**1ـ2ـ5ـ** آيا بين دانش‌آموزان شهري و دانش‌آموزان روستايي در استفاده از نوع راهبرد شناختي و راهبرد فراشناختي تفاوت معني‌دار وجود دارد؟

1. Harlow [↑](#footnote-ref-1)
2. Brown [↑](#footnote-ref-2)
3. Butcher [↑](#footnote-ref-3)
4. Dembo [↑](#footnote-ref-4)
5. Miyer [↑](#footnote-ref-5)
6. Salevey [↑](#footnote-ref-6)
7. Felavel [↑](#footnote-ref-7)
8. Biker [↑](#footnote-ref-8)
9. Lefranco [↑](#footnote-ref-9)